

علل بی عفتی بانوان در مقابله با آموزه های دینی

چکیده

بی عفتی در جامعه اسلامی، به ویژه در میان بانوان، موضوعی است که نیازمند بررسی عمیق و چندجانبه است. آموزه های دینی به وضوح بر اهمیت حجاب و عفاف تأکید می کنند و این دو مفهوم به عنوان ابزارهایی برای حفظ حرمت و شخصیت زنان معرفی شده اند. با این حال، عواملی چون فقدان باورهای اعتقادی، ضعف تربیت دینی، تبلیغات منفی، فشارهای اجتماعی، تأثیرات فرهنگی غرب، نبود الگوهای مثبت و محیط های اجتماعی اعم از خانواده و دوستان می توانند باعث تضعیف این ارزش ها و شکل گیری نامناسب رفتارهای دختران شوند که در پژوهش حاضر، سعی بر این است با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی تک تک این عوامل و اثرات منفی آنها پرداخته شود.

واژگان کلیدی : بی عفتی، بانوان، عوامل بی عفتی، راهکارهای مقابله با بی عفتی

۱- مقدمه

در منابع دینی ما، انسان کشتزاری ترسیم شده که با کاشت بذره های اسماء الهی در آن و رشدش مظهر حق تعالی و شایستگی بهشت برین را پیدا می کند و هر چه در بارور کردن این نهادها موفق تر عمل کند، سیر صعودی بیشتری را در مقام قرب الهی پیدا می کند، حال اگر انسان این کشتزار را در محیطی سالم برپا کند سریع تر به این هدف غایی آفرینش دست می یابد؛ عفت و خویشتن داری شاکله اصلی یک جامعه را تشکیل می دهد و به خاطر لزوم و اهمیت این مولفه است که قرآن کریم و ائمه اطهار (ع) دستورالعمل های بسیاری برای حفظ و تثبیت آن سفارش کرده اند علی رغم این با گذشت زمان چهره این فضیله در جامعه اسلامی مخدوش شده است و بخشی از مردم در جامعه ای که بر پایه ی دین بنا گشته است با این فضیله و حتی سایر معارف دینی بیگانه شدند و این بی عفتی در سایه غفلت مسئولین امر به مرور در حال گسترش در همه اقشار جامعه مخصوصا بانوان است و تهاجم فرهنگی و جنگ رسانه ای کنونی

با شعارهای جذاب و اغواکننده‌ای مانند زن، زندگی، آزادی این سیر صعودی را شتاب بیشتری بخشیده است؛ در این میان بی‌عفتی بانوان که موتور محرک یک جامعه به شمار می‌آیند نه تنها خانواده بلکه کل جامعه را به تباهی می‌کشاند. دشمنان انقلاب با دست گذاشتن بر روی این رکن خانواده، قدم اصلی را برای فساد زنان و دختران جامعه برداشته‌اند؛ با توجه به آسیب‌های فراوانی که در پی این امر گریبان گیر همه اقشار جامعه می‌شود، در این پژوهش سعی بر این شده است که مفهوم عفت به درستی شناخته شود سپس در پی آن به ریشه‌یابی دقیق عوامل و اسباب بی‌عفتی و راههای مقابله با آن بپردازیم امید است نتایج این پژوهش یاریگر خانواده‌ها و صاحبان تربیت به خصوص مسئولین فرهنگی آموزشی شود.

۲- عفت در لغت و اصطلاح

عفت در لغت از ماده (عَفَّ) به معنای خودداری از زشتی و ناپسندی است و در معنایی دیگر دلالت بر اندکی چیزی می‌کند (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۳/۴، مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ۱۸۰/۸). این واژه از اصطلاحات علم اخلاق است و در اصطلاح، بیشتر برای عفت شکم و فرج و حفظ آنها از شهوتهای حرام بلکه شبهناک و مکروه از قبیل؛ غذا، نوشیدنی و آمیزش اطلاق می‌شود (المجلسی، ۱۴۰۴ق، ۸/۶۶) و عَفَّت را می‌توان ملکه انقیاد و رام شدن قوه شهوت در پیشگاه عقل دانست؛ به گونه‌ای که تحت امر و نهی آن قرار گیرد. یعنی آن‌جا که عقل مصلحت می‌داند اقدام کند و آن‌جا که عقل در آن مفسده می‌بیند، پرهیز کند و هیچ‌گاه با اوامر و نواهی عقل مخالفت نکند (النراقی، دون التاریخ، ۸۶/۱)

۳- عوامل بروز بی‌عفتی

بی‌عفتی اقشار مختلف جامعه به خصوص زنان، عامل اصلی بازدارندگی جامعه از آن هدفی است که قرآن و روایات اسلامی برایش تعیین کرده است؛ در واقع بی‌عفتی در ضدیت با صفات تعالی بر می‌خیزد که اسلام برای رشد اعضای خانواده و جامعه مشخص کرده است؛ بنابراین باید عوامل اصلی بر بی‌عفتی را شناخت تا در صدد درمان و پیشگیری این رذیله اخلاقی بر آییم این عوامل را می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی کرد:

۱- ضعف ایمان به خدا و آخرت

۲- بسترهای تربیتی

۳- عدم آگاهی

۴- عدم تقوا و دوری از گناه

۵- دوری از معنویت و عبادت

۶- تهاجم فرهنگی

۷- کم کاری و بی توجهی دستگاه های فرهنگی

۸- میل به خودنمایی و جلب توجه

۳-۱- ضعف ایمان به خدا و آخرت

باور به توحید و معاد رابطه نزدیکی با عفت دارد؛ از آن رو که فرد با ایمان به این حقیقت دست یافته که انسان دارای هوای نفس است که اگر با قدرت توحید و ایمان در مقابل آن نایستد قطعاً به بی عفتی دچار خواهد شد. افرادی که به خداوند و روز قیامت، ایمان واقعی ندارند در برابر هوای نفس و شهوات کمتر خود را کنترل می کنند همچنین در مقابل وسوسه های شیطان که یکی از عوامل مهم بی عفتی است ضعیف عمل می کنند و در مواجهه با آن ناتوان خواهند بود. در آیات قرآن نمونه های بارزی از تاثیر ایمان در مقابله با هوای نفس و وسوسه های شیطان آمده است؛ حضرت یوسف سلام الله علیه در آیه ﴿وَرَاوَدْنَاهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنَ مَثْوٰىيْ اِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ﴾ {یوسف (۱۲) ۲۳} «و آن [زنی] که یوسف در خانه اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کامجویی شد، و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی شوند.» با استفاده از ایمان قلبی و باور خود توانست در برابر جاذبه های زلیخا ایستادگی کند و در دام شهوت و هوای نفس نیفتد؛ در مقابل نمونه هایی از بی عفتی به واسطه ی دوری از ایمان نیز ذکر شده است از جمله در آیه ی ۲۸ سوره ی عنکبوت ﴿وَلَوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖ اِنَّكُمْ لَتَنٰثُوْنَ

الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٠﴾» و لوط را [نیز فرستادیم]، آن گاه به قومش گفت: شما کار بسیار زشتی مرتکب می‌شوید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان آن را انجام نداده‌اند» که شرح بی عفتی قوم لوط بیان شده است.

۳-۲- بسترهای تربیتی

عفت به عنوان یک خصیصه اخلاقی و دینی متأثر از بسترهایی است که فرد در آن رشد می‌یابد؛ هر شخص در بدو تولد دارای یک سری ویژگی‌های ذاتی و فطری است که در مراحل رشد، تحت تاثیر عوامل پیرامونی از جمله؛ خانواده و جامعه دچار تغییر می‌شود.

۳-۲-۱- بستر فردی

خداوند در وجود هر انسانی، امیال نفسانی و شهوانی را نهاده است ولی از طرف دیگر او را موجود دارای اراده و اختیار و بهره‌مند از قدرت عقل خلق کرده است؛ در نتیجه می‌توان گفت نقش خود فرد در ایجاد باورها نقشی بی‌بدیل است و اگر غیر این بود مواخذه و بازخواست در آخرت برای انسان معنا نداشت؛ قطعاً این به دور از عدل پروردگار است که نفس بی تقصیر در سرنوشت خود را مورد مواخذه قرار دهد؛ «بر اساس عنصر معرفت، آدمی، جایگاه خویش را به منزله کسی که در این عالم رسالت ویژه‌ای بر دوش دارد می‌شناسد، تفاوت خود را با حیوانات که بدون هیچ ملاحظه‌ای و کورکورانه در پی ارضای نیازهای خویشند تشخیص می‌دهند، به خوبی کرامت ذاتی خود از یک چیز و پستی عمل از سوی دیگر توجه دارد؛ به بیان دیگر، اگر آدمی خود را بشناسد وابسته‌های نفسانی نزدش کوچک است؛ در واقع زمانی که از خودشناسی سخن می‌گوییم به جهان بینی انسان نیز توجه داریم؛ زیرا شناخت انسان بدون در نظر گرفتن نوع جهان بینی او ادعایی بی‌محتواست» (متقی فر، ۱۳۸۸ش، ۱۲۴). انسانی که نتواند از نعمت عقل و اندیشه خود به درستی استفاده کند جایگاه انسانی خود را نشناخته و به تبع آن در جهان بینی و باورهای خود نیز دچار اشتباه و انحراف خواهد شد چنین فردی به واسطه عدم توجه به فطرت خداجوی خود و عدم تلاش برای رسیدن به حقیقت با اندک هجمه‌ای از سوی هواهای نفسانی و شیاطین به بیراهه کشیده خواهد شد و دچار انحرافات اخلاقی و رفتاری می‌شود که یکی از مصادیق این انحرافات بی عفتی است.

۳-۲-۱- بستر خانوادگی

خانواده سهم مهمی را در انتقال مفاهیم و ارزش‌های جامعه دارا می‌باشد این امر از طرف دانشمندان و صاحبان فکر فارغ از هر اعتقاد و مکتب فکری پذیرفته می‌باشد. خانواده‌ی مطلوب در مکتب اسلام به گونه‌ای است که از ابتدا بر مبنای توحید بنا شده است با بررسی آیات و روایات در می‌یابیم که حتی قبل از تشکیل خانواده باید مقدمات بنای این جامعه کوچک را فراهم کرد: «خانواده در اسلام جایگاه بلند و رفیعی دارد. این نهاد کوچک ولی مقدس، پایگاه عروج و کمال انسان‌ها و محیط تربیت و پرورش نهال فطرت و استعدادهای نسل آینده است. خانواده مهم ترین رکن ترقی و تکامل یک جامعه است و چنان که خانواده‌ای در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های ارائه شده از سوی قرآن و سنت باشد، می‌تواند سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی جامعه خویش داشته باشد» (بیگی، ۱۳۸۹، ۳۵۵). از این رو، اگر توصیه‌های قرآنی مدنظر قرار گیرند، می‌توان افراد را در تربیت صحیح و القای درست ارزش‌ها یاری نمود. در آیات بسیاری از قرآن کریم به بحث خانواده (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) و نقش تربیتی آن اشاره شده است؛ از جمله آیه ﴿الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا كَيْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾ {اعراف(۷) ۵۸} «و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید، و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی‌سود از آن بیرون نمی‌آید این گونه نشانه‌ها را برای گروهی که سپاس گزارند [به صورت‌های گوناگون] بیان می‌کنیم.»؛ مطالب فوق، نقش تاثیرگذار خانواده در نهادینه شدن عفت فرد را به خوبی منعکس می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر این نهاد دچار تزلزل در بعد ایمانی شود؛ در پی آن اعضای خانواده به انحرافات اخلاقی مخصوصاً بی‌عفتی کشیده می‌شوند.

۳-۲-۲- بستر اجتماعی

اجتماع بعد از خانواده اصلی‌ترین عامل ایجاد و تقویت عفت است و مدرسه به عنوان جامعه‌ای کوچک از همان کودکی، باعث شکل‌گیری خط فکری فرد می‌شود و معلم در این میان، نقش پررنگی دارد، به طور خلاصه؛ جامعه متشکل از همسالان، نهادها و محیط‌های ورزشی، آموزشی، فرهنگی و غیره است که هر کدام سهم مهمی در تربیت، رفتار و عملکرد انسان دارند.

تأکید کردند: علاوه بر مجموعه های مسئول دولتی، مجموعه های عظیم مردمی و جوانان صاحب فکر و دارای ابتکار و همت نیز باید «آتش به اختیار»، منافذ فرهنگی را مسدود و در این عرصه اقدام کنند و کار را پیش ببرند و در تبیین مفهوم «آتش به اختیار»، خاطر نشان کردند: آتش به اختیار به معنای «کار فرهنگی خودجوش و تمیز» است و به معنای بی قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست» (خطبه های نماز عید فطر مقام معظم).

۳-۸- میل به خودنمایی و جلب توجه

یکی از امیال فطری انسان خودآرایی و خود آراستگی می باشد که اگر در چهارچوب طبیعی خود باشد اشکالی در آن دیده نمی شود بلکه اثر مثبت نیز بر سلامت روانی فرد و خانواده خواهد داشت؛ هرچند جمال خواهی و علاقه به زیبایی یک میل عمومی است و اختصاص به زن ندارد و هر کس طالب مظاهر جمال و زیبایی است اما این میل و علاقه در زن شدیدتر است؛ آنها بیشتر طالب زیور و زیبایی و آرایش و مدهای مختلف هستند، بیشتر مایلند که به صورت خود و فرزندان و محیط زندگی خویش زیبایی و تنوع بخشند، این میل و استعداد موجب می شود که خود و خانه و خانواده را همیشه زیبا و با طراوت و قابل تحمل تر و دلپذیرتر نگه داشته و چهره زندگی را مطلوب و پرجاذبه سازند و معلوم است که این کار چه اثر مثبتی در جهت دلگرم ساختن مرد به زندگی و تعمیق روابط خانوادگی خواهد داشت. حضرت علی (ع) می فرماید: «عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ» «عقل و خرد زنان و جمال و زیبایی آنان است و زیبایی مردان در عقل آنان» (الحر العاملی، ۱۴۲۳ق، ۱/۲۷۵)؛ بنابراین می توان زن را مظهر جمال و زیبایی و جمال خواهی دانست، بدین جهت او به زیبایی ها عشق می ورزد و صرفاً به زیبایی ها می اندیشد و فکر می کند، بیش از هر چیزی زیبایی او را جذب و فریفته می سازد و شکل مذموم خودنمایی زمانی است که از مرزهای اخلاقی رد شده و به تدریج به بی عفتی منجر شود. در منابع دینی، مسلمانان از این خودنمایی مذموم منع شده اند که مصداق آن ریا و تبرج است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾ {احزاب (۳۳) ۳۳} «و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمات و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، ...» بر اساس این فراز

و سایر آیات قرآن کریم، هدف از نفی تبرج، حفظ پاکی و پاکدامنی زنان و در نتیجه سلامت روانی جامعه است. از آنجا که میل به خودآرایی به صورت فطری در زنان بیشتر است طبیعتاً اگر موازین اخلاقی و دینی در این حیطة رعایت نشود، به انحرافات اخلاقی از جمله بی عفتی می‌انجامد اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که «میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی؛ همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ۴۳۶/۱۹) لازمه اینکه دختران و زنان و به تبع آن تمامی افراد خانواده و جامعه از آسیب‌های بی‌شمار بی عفتی در امان بوده و دارای آرامش روانی باشند این است که از خودنمایی و تبرج پرهیز شود.

نتیجه

عفت فضیله اخلاقی است که در صورت نهادینه شدن در تک تک اعضای جامعه به خصوص قشر زنان، بستری فراهم می‌شود که سایر فضایل اخلاقی در آن بارور شود و جامعه به آن آرامش روانی و امنیت اجتماعی و غایتی که خداوند در آیات و روایات ذکر کرده، برسد؛ در پژوهشی که انجام شد تاثیر هر یک از عوامل تاثیرگذار بر بی عفتی از؛ ضعف ایمان به خدا و آخرت، بسترهای تربیتی، عدم آگاهی، عدم تقوا و دوری از گناه، دوری از معنویت و عبادت، تهاجم فرهنگی، کم کاری و بی توجهی دستگاه های فرهنگی، میل به خودنمایی و جلب توجه مورد بررسی قرار گرفت؛ در این میان نقش بعضی از این مولفه ها به خصوص ضعف ایمان و بسترهای تربیتی به مراتب بیشتر بود که مسئولین و صاحبان تربیت در بدو ورود به احیای این فضیله اخلاقی باید بیشترین تمرکز را روی این دو مولفه قرار دهند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

فارسی

۱. بیگی، روح الله، (۱۳۸۹ش)، "ارزشهای اجتماعی در قرآن"، قم، اسوه
۲. خوشوقت، عزیزالله، (۱۳۹۶ش)، "اساس بندگی"، قم، محبین حضرت صاحب الامر
۳. جمعی از اندیشمندان مجمع صلح جهانی، (۱۳۹۰ش)، "تروریسم و فرهنگ"، چاپ اول، مجمع صلح جهانی،

تهران

۴. متقی فر، غلامرضا، (۱۳۸۸ش)، "کتاب درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام"
۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹ش)، "کیمیای محبت"، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث
۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ش)، "ده گفتار"، تهران، انتشارات صدر
۷.، (۱۳۷۹ش)، "مجموعه آثار (مسئله حجاب)"، تهران، انتشارات صدرا

عربی

۱. ابن فارس، ابو الحسین احمد، (۱۳۹۹ق)، "معجم مقاییس اللغة"، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، ست مجلدات،

دارالفکر

۲. البیطار، عبدالرزاق، (۱۴۱۴ق)، "حلیه البشر فی تاریخ القرن الثالث عشر"، الطبعة الثانية، بیروت، دارالصادر
۳. التمیمی الآمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش)، "تصنيف غرر الحكم و درر الكلم"، تحقیق مصطفی درایتی،

قم، مکتبه الإعلام الإسلامی

۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۳ق)، "الفوائد الطوسية"، الطبعة الثانية، قم، مکتبه المحلاتی
۵. قاسم، عیسی احمد، (۱۴۳۷ق)، "محراب التقوی و البصيرة"، دارالفقیه المقاوم
۶. المازندرانی، محمد صالح، (دون التاريخ)، "الكافي (الأصول و الروضة)"، المکتبه الإسلامیة
۷. المجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، "مرآة العقول"، درالکتب الإسلامیة

٨. مصطفوى، حسن، (١٣٦٠ش)، "التحقيق فى كلمات القرآن الكريم"، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب
٩. النراقى، ملا محمد مهدي، (دون التاريخ)، "جامع السعادات"، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات